

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

« فبشر عبادى الذين يستمعون القول
فیتبعون احسنه ، اولئك الذين هداهم الله
واولئك هم اولوا الالباب » .

قرآن کریم - سوره زمر

جهان زنده !

در طول عمر چند هزار ساله بشر ، روزگار هائی بر او گذشته که امواج
خشمگین حوادث و طوفانهای هولناک انقلابات و ابرهای سیاه و تاریک فسادها
اورا احاطه نموده و زندگیش را بخطر انداخته ، تا پرتگاه دره مرگ و نابودی
اورا کشانده است ، ولی عامل نیر و مند حیات و دست توانای غیب این
جهان ، اورا یاری نموده و دنبال آن شبهای تاریکهای روشنی برای او بدید
آورده و کشتی هستی او را از میان آن امواج و طوفانها نجات داده و بساحل
پیروزی رسانده است .

شهادت تاریخ !

تاریخ اجتماعات و داستانهای ملل ، و سرگذشت انبیاء و پیامبران خدا
که در تواریخ و سایر کتابهای آسمانی نگارش یافته است ، بهترین گواه این
مطلب ، و در هر يك از آنها ملاحظه میشود که چون فردی یا جمعی بر قومی مسلط
شده و رسم بیدادگری را نهاده و زندگی آنها را دستخوش شهوات و هوی و هوسهای
خود ساخته اند ، و یا مردمی خود بخود در اثر نادانی و بی خردی راه فساد را
پیش گرفته و به پیروی از شهوت پرستان از شاهراه آدمیت بیرون رفته اند ، همینکه از
اندازه خارج شده و افراط در خرابکاری و فساد نموده اند ، هر دی آزاده برخاسته
و قد علم کرده و کلاه و پرچم آزادی را برافراشته و ضحاک صفتان بیدادگر
را بزانو در آورده و آن قوم را از جور و ستم رهائی بخشیده است .

و یا انسانی کامل و وارسته، با مرخدای جهان بنام پیغمبر و رهبر روحانی
قیام نموده و بیاری و اذن پروردگار، مردمان را از گردابهای نادانی و کمراهی
و خودسری و یا اسارت دست ستمگران و خیره سران رهانیده و بشاهراه هدایت
درآورده و راه و رسم آدمیت را با آنان آموخته است.

ابراهیم خلیل (ع)

همانگاه که نمرود سبک مغز خیره سر، مغرور سلطنت و پادشاهی خدا داده
شده، و باخدای جهان به ستیز برخاسته، و بندگان خدایا پرستش خود و پرستش
بتهائی بشکل مجسمه خود که باطراف فرستاده بود، دعوت مینمود، و برای
پیش گیری از خطر احتمالی، زنان را از مردان جدا نموده و اطفال بیگناه را که تا
صد هزار تجدید نموده اند، سر میبرید، **جان جهان** و آفریدگار زمین و آسمان،
نطفه ابراهیم خلیل الرحمن را در قلمرو حکومت او و بوسیله خواص درباریان
او منعقد ساخته و آن را در کنف حمایت خویش پرورش داده و مقدمات هلاک و نابودی
آن خودخواه هوی پرست را فراهم آورده و موجبات گشایش و آزادی را برای
بندگان خود آماده میساخت.

موسی ابن عمران (ع)

در همان اوان که فرعون متکبر و خودخواه، آن مرد مغرور سبکسر،
پادشاهی سرزمین مصر و تسلط بر رود نیل نازیده، و آفریدگار خود را فراموش
نموده و داد: **انار یکم الاعلی** زده و بنی اسرائیل را استعمار نموده
و مردمان را به بندگی خود میخواند، و درباریان چاپلوس و بی شخصیت او هم
برای خوش آمد او مردان بنی اسرائیل را کشته و زنان ایشان را با اسارت و خدمت -
گذاری گرفته و نوزادان پسر آنها را سر می بریدند، **باراده نافذه و هسیت**
کامله خداوند جهان نطفه موسی بن عمران در خانه آن جبار ستمگر منعقد
شده و آن مرد الهی در دامان خود او پرورش یافت، تا روزی سیلی تأدیب بگوش
بنوازد شاید که از خواب غفلت بیدار شود و یا اگر از خواب سنگین بیدار نشد
او را از مرکب غرور پیاده نموده و در گرداب هلاک در آورد.

ولادت پیغمبر اسلام (ص)

در عصری بنام جاهلیت که پرده های ضخیم نادانی و بی خردی و شهوت رانی

جلو چشم و گوش مردمان را گرفته و آنان را کور و کر ساخته ، و ابرهای سیاه و تاریک خونریزی و ستمگری و بی عفتی و خودخواهی ، همه محیطها خصوصاً شبه جزیره العرب را فرا گرفته و روزگار بشریت را تیره و تار نموده و راه و رسم آدمیت را منسوخ داشته و مردمان را بفسق و فجور واداشته بود تا آنجا که کعبه معظمه خانه خدا پرستی را بصورت بتخانه ای درآورده بودند ، در همان عصر جاهلیت و در دل سیاه همان شب تار ؛ آن هم در مهد نادانی و بیخردی و کانون خود خواهی و خیره سری و مرکز گمراهی و پریشانی - یعنی سرزمین حجاز - آن روز نطفه اولین شخصیت بشری و آخرین سفیر الهی پیغمبر بزرگوار اسلام ، یعنی نطفه علم و حلم ، اخلاق و فضیلت ، نورانیت و حکمت ؛ عدالت و امانت ، عفت و طهارت . . . بخواست پروردگار دانا و توانا منعقد گردیده و پرورش یافت تا در صبحگاه ۱۷ ربیع الاول سال عام الثقیل ، همان سالی که بشر پای غرور و نادانی را فراتر نهاده و بجنک با خدا قیام نموده و در مقام ویران ساختن خانه خدا برآمده بود ، آن مولود مسعود قدم در این جهان گزارده و آن نوزاد آزاده ، زمین را بوجود خود سنگین ساخت .

ولادت امام صادق (ع)

در آن روزهای سیاه و روزگار شومی که شجره خمیثه بنی امیه بوم - صفت بر مملکت پهناور اسلامی سایه افکنده و بساط ستمگری را گسترش داده و ناپاکی چون عبدالملک مروان زمام امور مسلمانان را بدست گرفته بود ، همان پلیدی که پس از رسیدن بمقام خلافت با کتاب خدا و اداع نموده و بشرب خمر بلکه شرب دماء و ریختن خون بیگناهان مباحات مینمود ، و جز کشته شدن هزارها از نیکان و پاکان از مسلمانان و شیعیان که بدست اعمال جنایت کار و خونخوار او مانند حجاج بن یوسف و بسربین ارطاة و دیگران دروشده و بهشادت میرسیدند ، بقدر کشتن مورچه ای دراو اثر نمیکذاشت ، آری در همین اوان که راه و رسم انسانیت اینگونه رو بقاء و زوال میرفت ، نطفه وجود مقدس امام ششم و رئیس مذهب شیعه ، حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

پرورش یافته و در ۱۷ ربیع الاول (حدود هشتاد تا هشتاد و سه هجری) قدم در این عالم نهاده و بنور وجودش جهانی را روشن ساخت .

معجزه‌های بزرگ !

راستی بوجود آمدن چنین مردانی آراسته و چنان افرادی کامل ، در آن اعصار و آنگونه محیطها که تمام روزنه‌های صلاح و شایستگی مسدود ، و همه دروازه‌های فساد و گمراهی گشاده ، و عوامل رشد و تربیت و هدایت منلوب و منهزم ، و هرگونه موجبات فساد و خرابی و بی‌بندوباری فراهم و آماده بمورد توجه و عنایت بوده است ، این خود يك معجزه‌های بزرگ و خرق عادتى عجیب بوده است که از زنده بودن جهان و در گار بودن دست توانای جهان آفرین حکایت نموده و جهانیان را بر روزهای فرج بعد از شدت و گشایش پس از گرفتاری نوید میدهد .

نظم کلی ! ؟

آری همه اینها فروغ يك اصل اساسی و نمونه های يك نظم کلی است که در این جهان پهناور حکمفرما میباشد و آن اینکه : خاصیت حیات و خصوصیت موجود زنده این است که هر چند سپاه مرگ بر او بتازد و عوامل اضحلال و نابودی او را بظاهر احاطه نموده و ناتوان و زبون سازد ، باز دست از فعالیت خود نکشیده و در زیر بار سنگین همه ناملازمات و کارشکنیها ، کار خود را انجام داده و راه خود را طی نموده ، به هدف موفقیت و پیروزی نزدیک میشود .

نمونه های حاضر !

می بینیم یک درخت زنده ، هر چند جنود سرما بر او تاخته و برگ و بار آنرا ریخته و افسرده اش دارد ، و یا بادهای گرم و سوزان تابستانی وزیده و پر وبال آنرا سوخته و پژمرده اش سازد ، و یا آفات درونی و بیرونی نباتات بر آن حمله ور شده و زرد و زبونش نماید ، باز آن ریشه زنده و حقیقت حیات که در نهان وجودش باقی است ، آن را بفعالیت واداشته و ماده جلوه بهاری و طراوت نوروزیش مینماید و خصوصاً اگر کمی از باغبان و مددی از آب و هوای سالم و داروهای ضد آفات بآن برسد ، بزودی تجدید حیات نموده و بال و پر گسترده ،

باروبر میدهد .

يك فرد بیمار ؛ يك انسان فقير ، يك شخص اسير و گرفتار دشمن و ستمگر ، که جنود بیماری و فقر و گرفتاری او را احاطه نموده و از پایش انداخته ، ظاهرش را افسرده و سیمایش را پژمرده ساخته است ، هر گاه زنده باشد و سلول های حیاتی او بکلی از کار نیفتاده باشد ، خود را از دست نداده و نیروهای زندگی او در کار بوده و با عوامل مرگ و زبونی مبارزه نموده و خود را آماده پیروزی و زندگی نوین مینماید .

اجتماع زنده !

اینها نمونه زندگی فردی است ، خصوصیت يك جامعه زنده هم چنین است که هیچگاه تن بمرگ نداده و تاجان دارد عوامل حیات اجتماعی را بکار انداخته و با موجبات ناراحتی و گرفتاری و زبونی و عقب افتادگی مبارزه نموده و خود را آماده زندگی بهتر و جلوه دیگری در سایه آزادی و استقلال و توانگری و دانشمندی مینماید . و قوای غیبی و نیروهای نهانی این جهان هم همواره او را مدد نموده و در این راه یاری مینمایند .

خداوند سبحان در قرآن کریم فرماید: **والذین جاهدوا فینا لیمهدینهم سبلان وان الله لمتعالمحسنین** (سوره عنکبوت آیه ۶۹) .

بعد از جنگ جهانی دوم مشاهده شد که آن ملت‌هایی که زنده بودند ، با همه شکست‌ها و ناتوانی‌ها و محدودیت‌ها و خسارت‌های مادی و معنوی ، مالی و نفری که با آنها وارد شد ، چگونه در مدت کوتاهی تجدید حیات نموده ، خرابیها را تعمیر ، خسارت‌ها را جبران ، پراکندگی‌ها را بر طرف ساخته و دارای شخصیت و استقلال سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی شدند .

نتیجه ؟ !

ما نتیجه این گفتار را در دو جمله خلاصه نموده و بسخن خود خاتمه میدهیم :
 ۱ - افراد و زولتها و جمعیت‌های مهاجم و مسلط و متنفذ و حکمفرما را متوجه ساخته و بآنان توصیه میکنیم که از موقعیت و مقام خود سوء استفاده ننموده و نمرودوار و فرعون صفت ، خدای جهان و آفریدگار زمین و آسمان را فراموش

نکرده و حقوق ملت‌های ناتوان و جان و مال و دین ناموس آنها را دستخوش شهوات و هواهای نفسانی خود ننمایند؛ و مخصوصاً متوجه اطرافیان چابپلوس و مگس صفت خود باشند که بنام ایشان و اتکاء بقدرت آنان، بندگان خدا و آفریدگان او را دررنج و تعب و شکنجه و آزار قرار دهند.

بدانند که **جان جهان زنده و پایدار**، و دست قدرت و انتقام او در کار بوده، و چنانچه وعده فرموده است، ایمان و اهل ایمان و بندگان ناتوان خود را یاری مینماید.

۲ - افراد و ملت‌ها و شخصیت‌های مورد هجوم و دستگیر و گرفتار را که جنود بیماری و فقر بر آنها تاخته، و یا دست‌های ظلم و بی‌دادگری آنها را در فشار گذاشته، و یا جولان و بی‌پروائی شهوت‌رانا و وهوی پرستان زندگی را بر آنان تلخ و ناگوار ساخته و بظاهر جز سوختن و ساختن هم چاره‌ای ندارند، تسلیم داده و آنان را متوجه سرمایه‌های با ارزش معنوی و نیروهای غیبی حیاتی که از آنها برخوردار میباشند نموده و ایشان را به **صبر و استقامت و عفت نفس**، و **شهامت و تقوی و عدالت و مجاهدت و فعالیت و دیگر صفات انسانیت** و اخلاق آدمیت که بزرگترین عوامل حیات و نیرومندترین جنود موفقیت و پیروزی میباشند توصیه نموده و زندگی شرافتمندانه پیغمبران خدا و مردان حق و پروان ایشان را بآنان یاد آور شده و وعده الهی و سنت حتمی و نظم کلی این جهان را که پیروزی نهائی اهل حق و استقامت، و غلبه عوامل حیات و زندگی بر جنود هرگز میباشد بآنان گوشزد می‌کنیم.

و بالاخص در این ماه شریف، ولادت با سعادت خاتم پیغمبران؛ و پیدایش نور وجود او و جلوه‌های بی‌حد و حساب مادی و معنوی آن مرد الهی را پس از جولانهای هوی پرستان و دید آوردن عصر جاهلیت، بهترین گواه مطلب قرارداد، و برادران مسلمان خود را به پیروی بهتر و کاملتری از بر نامه‌های حیاتی او در تمام مراحل زندگی میخوانیم و السلام علی من اتبع الهدی.

ابوالقاسم دانش‌شناسی

کتابخانه مسجد اعظم -